

واکاوی معنای ظن در قرآن کریم بر پایه تحلیل روابط معنایی با واژگان همنشین

sarfi@alzahra.ac.ir

زهرا صرفی / استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء

دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۳۰ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۸

چکیده

واژه «ظن» از واژگان پرکاربرد قرآن کریم است و با توجه به جایگاه مهم آن در آیات فقهی، اعتقادی و اخلاقی، پژوهش برای کشف معنای دقیق آن ضرورت دارد. این پژوهش تلاش دارد تا مفهوم این واژه قرآنی را بر پایه تحلیل روابط معنایی آن با واژگانی که در آیات مختلف قرآن کریم با این واژه همنشین شده‌اند، تبیین نماید. بر این اساس، رابطه معنایی ظن با واژه‌های «یتبعون»، «کاذبین»، «یخرسون»، «شک»، «علم»، «حق»، «یقین»، «سلطان» و «تری» تحلیل و بررسی گردید. مفهوم واژه ظن با توجه به روابط معنایی آن با واژگان همنشین عبارت است از «اندیشه‌ای غالب بر نفس انسان، که هنوز به مرتبه علم نرسیده است؛ اما نفس را به خود مشغول ساخته است. لازم به ذکر است غلبه این اندیشه بر نفس به معنای قوت شواهد و دلایل آن نیست؛ بلکه در بسیاری اوقات مبتنی بر شواهد و قرائن ضعیف و نامعتبر است».

کلیدواژه‌ها: ظن، یقین، علم، شک، معناشناسی ظن، واژگان همنشین ظن.

یکی از الفاظ پرکاربرد قرآن کریم «ظن» است. استعمال این ماده لغوی در آیات با موضوعات مختلف اعتقادی و اخلاقی و احکام، جایگاه ویژه‌ای در مباحث معرفت‌شناختی و اخلاقی و فقهی برای آن ایجاد کرده است؛ به‌ویژه آنکه در سیاق‌های گوناگون وجوه معنایی مختلفی برای آن بیان کرده‌اند؛ تا آنجا که آن را در زمره واژگان اضداد برشمرده‌اند و همین امر، اختلاف مفسران و مترجمان را در تفسیر و ترجمه این آیات در پی داشته است. اینکه ظن در معنای ظاهری آیات قرآن کریم گاه به معنای گمان مقابل علم و گاه به معنای علم به کار رفته، باعث شده است که برخی مفسران از جمله ابو جعفر طبری آن را از لغات اضداد محسوب کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۶)؛ بلکه بیشتر مفسران بر آن شده‌اند که ظن دارای دو معنای متضاد یقین و شک است (شاکر، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷). لازم به ذکر است که مفسران در اکثر آیات قرآن ماده ظن را به معنای معروفش تفسیر کرده‌اند. معنای مشهور ماده ظن در میان مفسران، ترجیح یکی از دو امر جایز همراه با احتمال نقیض آن است (ر.ک: ابو حیان، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۳۴؛ صدر المتألهین، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۲۹۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۱۷۱). این معنا غیر از معنای لغوی این واژه است و با تعریف آن در دانش اصول فقه مطابقت دارد؛ اما در برخی دیگر از آیات، ماده ظن به علم و یقین تفسیر شده است. صاحب البصائر این موارد را ده آیه دانسته است (فیروزآبادی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۴۶). به نظر می‌رسد نحوه گزارش‌های لغویان از معنای «ظن» در کتب لغت، در ایجاد این اختلاف بی‌تأثیر نبوده است، بنابراین ضرورت دارد تا این آرا با دقت بیشتری تحلیل و بررسی قرار شوند.

این پژوهش در پی کشف برخی زوایای معنایی این ماده در قرآن کریم است؛ اما در ابتدا لازم می‌داند تا با اندکی تفصیل به بررسی و تحلیل آرای لغوی و تبیین معنای اساسی این واژه بپردازد؛ زیرا تبیین معنای اساسی آن را مبتنی بر تحلیل آرای لغویان و صاحب‌نظران، در تبیین دقیق مفهوم قرآنی آن ضروری می‌داند. آن‌گاه در چارچوب معناشناسی توصیفی به تحلیل روابط همنشینی آن با سایر الفاظ قرآن کریم خواهد پرداخت و به علت گستردگی بحث و محدودیت حجم مقاله به همین اکتفا خواهد کرد و بررسی روابط جانشینی را به پژوهشی دیگر واگذار می‌سازد. در تحلیل روابط همنشینی نیز به تحلیل روابط چهارگانه همنشینی‌ها می‌پردازد. «برخی پژوهشگران ارتباط دو به دوی واژگان در قرآن را در چهار صورت منطقی منحصر کرده‌اند. بر این اساس، زوج‌های معنایی در قرآن کریم با یکدیگر یا دارای رابطه مکملی «نحوی- معنایی» هستند یا رابطه «معنایی- معنایی» دارند. رابطه «نحوی- معنایی» مبتنی بر ساختار نحوی میان دو واژه است که البته با یکدیگر دارای رابطه معنایی نیز هستند. روابط «معنایی- معنایی» نیز به سه دسته اشتدادی، تقابلی و توزیعی تقسیم می‌شود. در روابط اشتدادی، دو مفهوم مؤلفه معنایی مشترک دارند و در مقام تقویت و معاضدت یکدیگرند. در روابط تقابلی، دو مفهوم مؤلفه معنایی مشترک دارند؛ اما در مقام تضعیف و نفی یکدیگرند. در روابط توزیعی نیز دو مفهوم در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند؛ اما قلمروهای متمایزی با یکدیگر دارند (اسکندری، ۱۳۹۳، ص ۱۶).

افزون بر کتب تفسیری یا برخی کتب فقهی و اصول فقهی که به بررسی مفهوم ظن در آیات قرآن کریم پرداخته‌اند، برخی پژوهش‌های مستقل نیز درباره آن نگاشته شده است؛ چنان که طیب‌حسینی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «معناشناسی ظن در قرآن کریم» با مراجعه به کاربردهای واژه ظن در فرهنگ عربی و نیز با تکیه بر تحلیل‌های روان‌شناختی، تفسیر مفسران از این واژه را در تعدادی از آیات مشتمل بر آن بررسی کرده و برای واژه ظن، هر دو معنای شک و یقین را اثبات نموده است؛ سپس به نقد معیارهای معرفی‌شده برای تشخیص ظن به معنای شک، از ظن به معنای یقین پرداخته است. شاکر (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره مفهوم ظن و نیز رابطه مفهومی ظن با واژه‌های یقین، شک، حسان و زعم پرداخته است؛ اما به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی به تبیین مفهوم ظن بر پایه تحلیل روابط معنایی آن با واژگان همنشین نپرداخته است. بر همین اساس در این پژوهش برای کشف معنای ظن، ابتدا با تحلیل آرای لغویان، معنای لغوی این واژه تبیین شده است؛ سپس با استخراج آیاتی که کلیدواژه ظن در آنها به کار رفته است، پرتکرارترین همنشین‌های ظن تعیین گردید؛ آن‌گاه با تکیه بر تحلیل سیاق آیات و توجه به روابط معنایی ظن با واژگان همنشین در این آیات، تلاش شد تا مفهوم قرآنی این واژه تبیین گردد.

۱. واژه‌شناسی «ظن»

مفاهیم گزارش شده برای ماده ظن در فرهنگ‌های لغت عربی، چنین است:

۱-۱. عدم اطمینان

بنا به گزارش کتب لغت، «الظُّنُونُ» چاهی است که به وجود یا فقدان آب در آن اطمینان نباشد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۵۱؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۲) یا چاهی است که گمان شود آب دارد، در حالی که آب ندارد یا کم‌آب است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۶۳). این معنا در واقع گزارش کاربرد حسی این ماده لغوی است، که جزء معنایی مهم آن عدم اطمینان است. بر این اساس، ابن سیده با ذکر شواهد متعدد نتیجه می‌گیرد به هرآنچه اطمینانی بدان نباشد، ظُنُونٌ و ظُنَّيْنٌ گویند (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۸-۱۰). صاحب لسان العرب نیز ظنون را به معنای هر آنچه که به آن اعتماد و اطمینانی نباشد، دانسته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۷۴) و از این روست که مثلاً فرد متهم را ظنَّيْنٌ گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۵۱؛ ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۱۵۴). نتیجه آنکه بر اساس گزارش‌های متعدد کتب لغت از عرف استعمالی آن روزگار، عدم اطمینان را می‌توان معنای اصلی این ماده لغوی دانست.

۲-۱. علم و یقین

بسیاری از لغویان با تکیه بر برخی شواهد، از جمله آیاتی از قرآن، معنای یقین یا علم را نیز برای واژه ظن گزارش کرده‌اند (ابوعبید، ۱۹۹۰م، ج ۲، ص ۶۲۹؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۵۱؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰،

ص ۱۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۶۲). دقت در این شواهد روشن می‌سازد که واژه ظن در این شواهد به همان معنای اصلی واژه ظن و معانی نزدیک به آن قابل تبیین است و استعمال ظن در آنها به معنای علم استدلالی و یقینی نیست.

یکی از شواهد مهم که از ابوعبید برای تفسیر ظن به علم و یقین گزارش شده، این بیت است: «ظَنُّ بِيهِمْ كَعَسَىٰ وَهُمْ يَتَنَوَّقُونَ جَوَائِزَ الْأَمْثَالِ» (ابوعبید، ۱۹۹۰م، ج ۲، ص ۶۲۹). در واقع چون در این بیت تشبیه ظن به ظن درست نبوده، ابوعبید ظن را به یقین تفسیر کرده است؛ در حالی که اگر ظن را به امید و طمع معنا کنیم، مشکل برطرف می‌شود و ظن نیز از معنای خودش تهی نشده است و جزء معنایی عدم اطمینان را با خود دارد. پس به نظر می‌رسد که شاعر در این بیت با کاربرد واژه «عسی»، یکی از معانی استعمالی ماده ظن را که طمع و رجا است، روشن کرده است.

شاهد دیگر، «فقلت لهم ظنوا باللقى مدجج سراتهم في الفارسي المسردي» است. صاحب صحاح آورده است که گاهی اوقات ظن در موضع علم قرار می‌گیرد. و به همین بیت شعر استناد می‌کند و می‌گوید ظن در اینجا به معنای یقین است؛ زیرا فرد دشمنش را با یقین می‌ترساند، نه با شک (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۲۱۶۰)؛ در حالی که باید به وجه بلاغی کاربرد ظن در این شاهد شعری نیز توجه داشت. بله در این بیت، شاعر مخاطبش را با القای ظن و گمان ترسانده است؛ حال آنکه انتظار می‌رود برای اثرگذاری، از دشمن یقینی بترساند؛ اما علت آن است که نیازی به یقین نیست؛ چون در واقع ظن به دشمن هم برای واداشتن مردم به همراهی کفایت می‌کند. پس این شاهد شعری هم شاهد مناسبی نیست تا یقین را معنای لغوی ظن بدانیم.

لغویان ضمن گزارش معنای علم (یقین) برای ظن، بر این مطلب تأکید کرده‌اند که در اینجا مراد، یقین عینی نیست؛ بلکه یقین تدبیری است (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۸)؛ چنان که صاحب تاج العروس به نقل از استادش می‌گوید: ظن به جای یقین و علمی که محسوس باشد، استعمال نمی‌شود (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۳۶۳). همه این نکات حاکی از آن است که ظن به معنای علم یقینی نیست؛ بلکه اگر هم معنای علم برای آن گزارش شده، علم ظنی با احتمال خلاف در آن اراده شده است. عدم توجه به این نکته، در تفسیر معنای ظن به یقین مؤثر بوده است.

۳-۱. طمع و رجا

ابن کیسان، نحوی و لغوی قرن سوم، درباره این بیت شعر از ابوعبیده «ظَنُّ بِيهِمْ كَعَسَى...» که در کتب لغت شاهدهی برای اثبات معنای یقین برای ظن است، گفت: «شاعر چون نزد خودش گمان برده است که به حقیقت علم دست یافته، آن را به عسی تمثیل کرده است که نشان از قوت ظن و غلبه آن دارد» (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۵۵). بر این اساس، تفسیر متفاوتی از این بیت شعر ارائه کرده است. همچنین به باور ابن کیسان، «عسی» از حروف

مقاربه است که معنای ترجی و طمع را با خود دارد. همچنین «عسی» از جانب خداوند متعال واجب است؛ اما از ناحیه عباد، ظن است؛ زیرا علم عبد به امور آینده، از طریق شواهد و قرائن حاصل می‌شود و گاه آن شواهد چنان‌که می‌نمایند، نیستند و ممکن است باطل شود. بنابراین با بیان عسی تلاش کرده است ظن غالبی خود را حکایت کند که منتهای علم او درباره آینده است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۵۵).

ابن منظور نیز پس از گزارش قول ابو عبید، به نقل از اصمعی می‌گوید: هرچند در این بیت شعر ظن را به معنای یقین بدانیم، اما معنای عسی - که همان طمع و امید است - را با خود دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۵۵). بدین ترتیب، باز هم بر این نکته که معنای اصلی در این ماده همان عدم اطمینان است، تأکید می‌شود. افزون بر آن روشن می‌شود که ظن در معنای امید و رجا هم به کار می‌رود.

۴-۱. ترجیح یکی از دو طرف احتمال

برخی از لغویان نیز ظن را ترجیح یکی از دو طرف احتمال (اعتقاد غیر جازم) دانسته‌اند که گاه در جایگاه علم قرار می‌گیرد (ازدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۵۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۴۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۳۶۳). با این نگاه باید گفت که در استعمال ظن، هنوز احتمال طرف مقابل نفی نشده است. بنابراین همچنان همان معنای اصلی، یعنی عدم اطمینان از آن برداشت می‌شود.

۵-۱. اعتقاد مبتنی بر اماره

راغب اصفهانی بر این باور است که ظن از طریق اماره (نشانه) حاصل می‌شود و گاه قوت می‌یابد و تا حد علم و یقین بالا می‌رود؛ و گاه ضعیف می‌شود و تا حد توهم و خیال تنزل پیدا می‌کند (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۵۳۹). بر این اساس، ظن بین دو حد علم و وهم در نوسان است. اماره دلیل ظنی معتبر یا همان دلیل علمی است که کاشف از واقع نیست؛ پس آنچه از طریق اماره حاصل می‌شود، همان ظن است که نمی‌تواند قائم مقام قطع و علم باشد. التحقیق نیز اصل معنایی در ماده لغوی ظن را اعتقاد ضعیف و غیرمستدل دانسته که حق یا باطل است و هنوز به مرتبه یقین که ادراک قاطع است، نرسیده است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۱۸۲).

۶-۱. جمع‌بندی و تحلیل آرای لغویان

در میان معانی یادشده برای ظن، ذکر معنای علم (یقین) باعث شده است تا ظن را در زمره واژگان اضداد محسوب کنند؛ اما جزء معنایی اصیل برای ماده ظن، بر اساس گزارش لغویان، همان معنای اول یعنی عدم اطمینان است. سایر معانی گزارش شده نیز جزء معنایی عدم اطمینان را با خود دارند. این معنا به‌ویژه در مفهوم «طمع و رجا»، «ترجیح یکی از دو طرف احتمال» و «اعتقاد مبتنی بر اماره» به وضوح درک می‌شود.

اما درباره اینکه برخی گزارش‌های لغوی حاکی از آن است که واژه ظن دارای دو مفهوم متضاد است، باید گفت: با توجه به بخش‌های مختلف گزارش‌های لغوی و نیز شواهدی که نویسندگان آنها ارائه داده‌اند، معنای

علم یا یقین به عنوان معنایی خاص، با تکیه بر برخی شواهد برای ظن گزارش شده است؛ به طوری که خود ایشان نیز بین ظن به معنای علم و علم یقینی تفاوت‌هایی را ذکر کرده‌اند. این امر دلالت دارد بر اینکه ایشان ظن را به معنای علمی دانسته‌اند که احتمال خلاف در آن راه دارد، نه علم یقینی که تردیدناپذیر است. بنابراین در گزارش این معنای خاص، همچنان آن جزء معنایی اصیل در ماده ظن، یعنی عدم اطمینان، محفوظ است و شواهد ایشان در گزارش معنای علم یا یقین، با همان معنای اصلی ظن قابل تبیین است و در تمام موارد استعمال، جزء معنایی تفکیک‌ناپذیر ماده ظن، مفهوم عدم اطمینان است و مراد از عدم اطمینان، احتمال خلاف با معنای لغوی و عرفی آن است.

۲. واژگان هم‌نشین و روابط معنایی

برای بیان یک جمله، گویی کلمات پشت سر هم بر یک خط قرار می‌گیرند. این خط، محور هم‌نشینی است. رابطه کلماتی که بر روی این محور قرار می‌گیرند و مکمل یکدیگرند، رابطه هم‌نشینی است (باقری، ۱۳۹۴، ص ۵۰). فرایند هم‌نشینی معنایی یا قرار گرفتن مفاهیم بر روی محور هم‌نشینی می‌تواند سبب انتقال معنایی واحدهای هم‌نشین به یکدیگر شود و در حفظ یا تغییر مفهوم اولیه واحدهای زبان مؤثر باشد. مفهوم اولیه بی‌نشان‌ترین مفهوم یک واحد زبان است که تابع افزایش یا کاهش معنایی قرار نگرفته است (صفوی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷).

۳. روابط معنایی ظن در قرآن کریم

ماده ظن ۶۹ بار در ۵۷ آیه قرآن به کار رفته است که ۴۹ بار آن با صورت فعلی^۱ و هجده بار به صورت اسمی^۲ استعمال شده است (عبدالباقی، ۱۳۸۶). بررسی روابط معنایی ظن با هم‌نشین‌های آن در آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که واژه‌های مختلفی در آیات گوناگون با ظن رابطه معنایی دارند. مهم‌ترین هم‌نشین‌های مکملی پرتکرار یا دارای نقش تعیین‌کننده در معنای ظن، یتبعون (تبعون) و کاذبین است. هم‌نشین‌های معنایی- معنایی ظن نیز نقش بسیار مهمی در تعیین معنای ظن دارند. مهم‌ترین هم‌نشین‌های معنایی- اشتدادی ظن عبارت‌اند از: یَخْرُصُونَ (تَخْرُصُونَ) و شک؛ مهم‌ترین هم‌نشین‌های معنایی- تقابلی ظن نیز عبارت‌اند از: علم، حق، یقین، سُلطان؛ و مهم‌ترین هم‌نشین معنایی- توزیعی آن عبارت است از: نری. با تحلیل این واژگان هم‌نشین در سیاق آیات ظن، اثر معنایی این واژگان در مفهوم ظن بررسی می‌گردد. پیش از آن ضرورت دارد که برخی نکاتی که به صورت کلی از تحلیل سیاق و روابط معنایی در این آیات در ارتباط با مفهوم ظن قابل اخذ است، تبیین گردد.

۳-۱. تحلیل برخی نکات کلی در تحلیل روابط معنایی در سیاق آیات ظن

ماده ظن در اکثر آیات در هیئت فعل به کار رفته و فاعل آن غالباً ضمیری است که مرجع آن در جملات پیشین آمده و به گروه‌های مختلفی از انسان‌ها، اعم از مؤمن و کافر و حتی جنیان ارجاع داده شده است. از گروه مؤمنان،

مانند خاشعین اهل صبر و نماز (بقره: ۴۶) و برخی پیامبران، مانند حضرات یوسف علیه السلام (یوسف: ۴۲)، موسی علیه السلام (اسراء: ۱۰۱)، ذالنون علیه السلام (انبیاء: ۸۷)، داود علیه السلام (ص: ۲۴)؛ از گروه کافران، مانند: الَّذِينَ أَشْرَكُوا (انعام: ۱۴۸)، الْمَلَأَ الَّذِينَ كَفَرُوا (اعراف: ۶۶)، الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ (یونس: ۶۰)، الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ (یونس: ۶۶)؛ الْمَلَأَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ (هود: ۲۷)، الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ؛ از گروه جنیان (جن: ۵ و ۷). بنابراین، از این جهت می‌توان ظن را یک ویژگی عام دانست که به گروه‌های مختلفی منسوب است.

فعل قلبی ظن دومفعولی است؛ اما معمولاً مفعول آن در سیاق آیات ظن به قرینه لفظی یا معنوی حذف شده است: «وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنَّهُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (بقره: ۷۸) و به‌ندرت به‌طور صریح دو مفعول را نصب داده است؛ مانند «وَمَا أَطْنُ السَّاعَةَ قَائِمَةً» (کهف: ۳۶). در بیشتر موارد نیز جمله‌ای اسمیه، جایگزین دو مفعول آن شده است و در این حالت از نظر معنا تأکید بیشتری را می‌رساند: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۴۶).

نکات مختلف قابل تأملی در سایه توجه به محتوای این جملات و تحلیل آن قابل اخذ است:

نکته اول آنکه این جملات - که جایگزین دو مفعول ظن شده‌اند - هر چند محتوای متعدد دارند و مفاهیم مختلفی از آنها قابل اخذ است، در مجموع روشن می‌سازند که ظن از نگاه قرآن اندیشه‌ای غالب بر نفس انسان است که نفس را به خود مشغول ساخته است. برای تبیین بیشتر، برخی آیات را مثال می‌آوریم:

- گروهی از مسلمانان در جنگ احد، هنگامی که جنگ مغلوبه شد، اندیشه‌های جاهلی درباره‌ی خداوند متعال ذهن ایشان را مشغول کرد و از ایشان سلب آرامش نمود: «وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ» (آل عمران: ۱۵۴)؛

- در مواجهه با معجزه تحویفی کنده شدن کوه و سایه انداختن آن بر سر بنی اسرائیل، اندیشه فرو افتادن کوه بر سرشان ذهن آنها را فرا گرفته بود: «وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ» (اعراف: ۱۷۱)؛
- اندیشه غالب بر ذهن کفار آن است که جهان غایت حکیمانه ندارد: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا» (ص: ۲۷)؛

- آن‌گاه که حضرت یونس علیه السلام با خشم قوم خود را ترک کرد، این اندیشه که خداوند بر او تنگ نمی‌گیرد، ذهن او را تسخیر کرده بود: «وَوَدَّا التَّوُونَ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ» (انبیاء: ۸۷).

در مجموع، این معنا را می‌توان در تمام آیاتی که این ماده لغوی در آنها به کار رفته است، دنبال کرد. ادراک نفسانی از ویژگی‌های عمومی انسان است. اساس ساختار وجودی ذهن انسان چنین است که بر اساس اطلاعات و داده‌هایی که از طریق حواس حاصل می‌کند، اندیشه‌ها و ادراکاتی به ذهن او راه می‌یابد و بر آن غالب می‌گردد. جالب آنکه این مفهوم از ظن را شیخ طوسی ذیل آیه ۴۶ سوره بقره به عنوان اصل معنای ظن، از برخی بزرگان گزارش کرده است (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۵).

غلبه این اندیشه ذهنی لزوماً به معنای قوت شواهد و قرائن آن نیست؛ بلکه در بسیاری از اوقات، این اندیشه غالب ذهنی مبتنی است بر شواهد و قرائن ضعیف و نامعتبر؛ مثل تقلید: «وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنَّهُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (بقره: ۷۸)، استکبار: «وَأَسْتَكْبَرُوا هُوَ وَجُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ» (قصص: ۳۹) یا غضب: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاصِبًا ظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» (انبیاء: ۸۷). در این صورت، ظن تنها اندیشه‌ای است که به ذهن راه یافته و هنوز تأمل لازم در آن نشده است؛ پس شاید بتوان آن را ظن اولیه نامید، که در روایات هم به آن اشاره شده است.^۳ این ظن بیشتر در اموری است که مظنون در دسترس نیست. بی تردید گاهی ظن پس از تأمل و بررسی کافی قرائن و شواهد حاصل می‌شود، که نسبت به ظن اولیه مرتبه بالاتری دارد؛ اما هنوز به مرتبه علم و یقین نرسیده است و می‌توان آن را همان ظن یقینی یا ظن اطمینانی در روایات دانست. این ظن یا مربوط به اموری است که مظنون در دسترس است؛ مانند «وَإِذْ تَقَنَّنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظِلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ» (اعراف: ۱۷)؛ یا مبتنی بر اخباری است که از طریق وحی در اختیار قرار گرفته است؛ مانند «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۴۶).

دو صورت اصلی دیگر برای ظن می‌توان فرض کرد: نخست اینکه آن اندیشه غالب، بدون طرح اندیشه دیگری در برابر آن، نفس را به خود مشغول ساخته باشد؛ هرچند که امکان طرح آن اندیشه دیگر عقلاً وجود داشته باشد؛ مانند: «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ» (حشر: ۲)؛ دوم اینکه آن اندیشه غالب، در تعارض با اندیشه یا اندیشه‌های دیگر غلبه پیدا کرده است؛ مانند: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ سِتْرَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا» (اسراء: ۱۰۱). در هر دو صورت می‌توان ظن را رجحان یک اندیشه دانست؛ زیرا یا به طور صریح اندیشه دیگری در برابر آن مطرح است یا آنکه امکان طرح اندیشه دیگر وجود دارد، اما فرد به آن توجه ندارد.

۲-۳. تحلیل هم‌نشینی یتبعون/تتبعون (اتباع)

اتَّبَعَ به معنای جست‌وجو کردن، و تَبِعَ به معنای همراهی کردن است (شیبانی، ۱۹۷۵م، ج ۱، ص ۹۷). در استعمال لغوی، تَبِعَ متفاوت از اتَّبَعَ است: تَبِعَ الرَّجُلَ به معنای رفتن همراه اوست و اتَّبَعَهُ به معنای رفتن پشت سر او برای ملحق شدن به اوست (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۲۵۴). مفهوم تبعیت در قرآن کریم، گاه در مسیر هدایت و رشد است و سعادت انسان را در پی دارد و گاه در مسیر ضلالت و گمراهی است و موجب هلاکت انسان می‌شود.

فعل یتبعون در چهار آیه (۱۱۶ انعام، ۶۶ یونس، ۲۸ و ۳۳ نجم) و فعل تتبعون در آیه ۱۴۸ انعام، و فعل یتبع در آیه ۳۶ یونس و اتباع در آیه ۱۵۷ نساء، دارای رابطه هم‌نشینی مکملی-نحوی با ظن است. نکته مهمی که از این

آیات هشتگانه حاصل می‌شود آن است که تبعیت از ظن در این آیات، مفهوم ترتیب اثر دادن به ظن در حیطة فکر یا عمل را می‌رساند؛ نظیر: «وَإِنْ تَطَعُ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» (انعام: ۱۱۶) و «أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» (یونس: ۶۶)؛ افزون بر آنکه در تمام این موارد، باب افتعال از تبع، با ظن رابطه هم‌نشینی مکملی داشته است و اتباع بر وزن افتعال، بر دنباله‌روی از روی اراده و اختیار دلالت دارد. در این آیات، ظن امری مذموم است.

بی‌تردید ظن در قرآن کریم فی‌نفسه متعلق مدح و ذم نیست؛ زیرا شکل‌گیری ظن در نفس انسان به عنوان اندیشه‌ای غالب، امری طبیعی است. به باور برخی مفسران، زندگی انسان در دنیا بدون اعتماد به ظن و استمداد از تخمین قابل دوام نیست؛ اما همه این اعتباریات قابل تخمین، به جزئیات زندگی دنیوی مربوط است. در اموری از قبیل معارف الهی و شرایع که باید از ناحیه خدا اخذ شود و در آن فقط باید به علم و یقین تکیه کرد، تخمین زدن سبب ضلالت و گمراهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۳۳۰)؛ زیرا در امور معنوی امکان احاطه علمی انسان بر مظنون وجود ندارد؛ از این رو خداوند از طریق وحی، علم به آن را برای پیمودن راه سعادت در اختیار انسان نهاده و با معجزاتی آشکار تأیید نموده است؛ هرچند بیشتر مردم شکر این فضل و نعمت الهی را به جای نمی‌آورند و به جای تکیه بر علم در این امور، از ظن تبعیت می‌کنند: «وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَعَدُوٌّ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ» (یونس: ۶۰).

عدم نفی مطلق عمل به ظن در امور اخروی، مصداقی از لطف وافر خداوند متعال بر بنده است. از این رو، اگر انسان با تعقل در امور اخروی، از مرحله ظن اولیه عبور کند و به مرحله ظن اطمینانی برسد و بر مبنای آن در مسیر حق و هدایت قرار گیرد و به لوازم ایمان پایبند باشد، هرچند به علم و یقین قطعی دست نیافته باشد، خداوند متعال از او به لطف خود می‌پذیرد: «إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ» (حاقه: ۲۰) و نیز (بقره: ۴۶ و ۲۴۹). علامه طباطبایی در این آیه ظن را به یقین تفسیر کرده است (طباطبایی: ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۳۹۹)؛ اما ذیل آیه «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» (بقره: ۴۶) بیان می‌کند که هرچند اعتقاد به ملاقات با پروردگار از اموری است که باید درباره آن به یقین رسید (وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ) (بقره: ۴)، اما از آنجاکه صرفاً ظن و گمان به قیامت و لقاءالله می‌تواند سبب ایجاد خشوع در وجود انسان شود، ضرورتی برای حصول علم نیست و به واژه ظن بسنده کرده است. پس استعمال ظن در جای علم، اشاره دارد به اینکه اگر انسان دریابد که پروردگاری دارد و ممکن است روزی با او دیدار کند و به سوی او برگردد، در ترک مخالفت و رعایت احتیاط صبر نمی‌کند تا علم برایش حاصل شود؛ بلکه همان ظن او را به احتیاط ملزم می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۵۲). صدرالمتألهین هم بر این باور است که علم حقیقی تنها برای اهل یقین، یعنی انبیا و اولیا و اوصیا و صدیقین حاصل می‌شود (صدرالمتألهین، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۱۷-۵۱۸).

بی‌تردید اصل اولی در قرآن کریم بر آن است که ظن برای تبعیت کافی نیست. قرآن از انسان خواسته است تا از مرحله ظن به طور کامل عبور کند و به حق برسد که همان علم و یقین است: «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ

شَبَّانًا» (یونس: ۳؛ نجم: ۲)؛ اما نکته جالب توجه آن است که خداوند درباره ظن در امور اخروی و معنوی - که در دسترس انسان نیست - بحث ناکافی بودن آن در برابر حق را در آیات یادشده مطرح کرده است.

جالب توجه آنکه رسیدن به یقین در همه امور لازم نیست؛ بلکه گاه باید پی‌جویی نمود و برخی ظنون برای رسیدن به علم را ترک کرد و به آن اعتنا نکرد: «و لا تجسسوا» (حجرات: ۱۲). پس انسان نیازمند مدیریت ظن است: در قبال خدا و مؤمنین دیگر، مأمور به حسن ظن شده است: «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا» (نور: ۱۲)؛ اما صفت خوش‌گمانی نباید سبب شود تا اخبار افراد فاسق مبنای عملکرد او قرار گیرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (حجرات: ۶).

ظن در قرآن کریم مادام که صرفاً اندیشه‌ای غالب بر ذهن است، ممدوح یا مذموم نیست؛ اما به محض آنکه مبنای ترتیب اثر می‌شود، متعلق مدح و ذم واقع می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات: ۱۲). به باور مفسران، در اینجا اجتناب از خود ظن مراد نیست؛ زیرا ظن، ادراکی نفسانی است و به طور غیرارادی به نفس راه می‌یابد؛ از این‌رو، نهی کردن از خود ظن صحیح نیست؛ مگر آنکه از پاره‌ای مقدمات اختیاری آن نهی شود. مراد آیه، نهی از پذیرفتن ظن بد و ترتیب اثر دادن به آن است. در نتیجه، اینکه بعضی از ظن‌ها گناه است، خود ظن مراد نیست؛ بلکه ترتیب اثر دادن به ظن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۲۳)؛ چنان‌که در برخی آیات، ترتیب اثر دادن به ظن بدون تأمل لازم، مصداق ظلم به نفس دانسته شده است (کهف: ۳۵؛ انبیاء: ۸۷).

شایان ذکر است، با توجه به آنچه گفته شد، نحوه مواجهه با ظن، موضوعیت ویژه در این بحث دارد. ظن، خود ادراکی نفسانی و غیرارادی است؛ اما مواجهه با آن، اعم از پذیرفتن یا انکار کردن، ترتیب اثر دادن یا رها کردن، تبعیت کردن یا مخالفت کردن با آن، امری اختیاری است. از این‌رو از سایر آیات ظن که با ماده تبع همراه نشده است نیز معنای ترتیب اثر دادن به ظن به دست می‌آید. مهم‌ترین این آیات آیاتی است که با ماده قول همراه است که بازتاب پذیرش ظن در گفتار ایشان است: «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ...» (بقره: ۲۴۹)؛ «وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ...» (آل عمران: ۱۵۴) و نیز آیات انعام: ۱۴۸؛ اعراف: ۶۶؛ یونس: ۲۲؛ هود: ۲۷؛ یوسف: ۴۲؛ نور: ۱۲، جایه ۲۴ و ۳۲. در آیات دیگر نیز به نوعی از آیه قابل دریافت است که ایشان به ظن خود ترتیب اثر داده‌اند: «وَاسْتَبِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۴۵-۴۶)؛ در این آیه، ترتیب اثر دادن به اندیشه ملاقات با پروردگار، خاشعان را اهل خشوع و صبر و نماز ساخته است.

۳-۳. تحلیل همنشینی کاذبین (کذب)

کذب یکی از مهم‌ترین همنشین‌های نحوی-مکملی ظن است. کذب در لغت، ضد صدق است (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۳۰۴)؛ پس کذب خلاف واقع و حق است و صدق مطابق حق و واقع (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۳۴).

در شش آیه، ماده لغوی کذب در جایگاه مفعول ظن قرار گرفته است و بیان می‌دارد که «ظان» امری را کذب و دروغ پنداشته است: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا... إِنَّا لَنظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ» (اعراف: ۶۶) و نیز آیات هود: ۲۷؛ یوسف: ۱۱۰؛ شعراء: ۱۸۶؛ قصص: ۳۸؛ غافر: ۳۷؛ جن: ۵. بنابراین در این آیات، ظن مبنای تکذیب است. در آیه ۴۸ سوره انعام، این مطلب وضوح بیشتری دارد: «سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ... إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» (انعام: ۱۴۸). اکثر این آیات واکنش تکذیبی در برابر دعوت انبیا را گزارش می‌کنند و بیان می‌دارند ظن عامل مهمی در این تکذیب است و منکران انبیا دلیل و حجتی بر انکار خود ندارند.

آیه ۶۰ سوره یونس از مهم‌ترین آیاتی است که در آن کذب با ظن هم‌نشین شده است: «وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». این آیه صورت استفهام دارد؛ اما در مقام تقریر است تا بیان کند دروغ‌گویانی که به خدا افترا می‌بندند، درباره روز قیامت به ظن و پندار بسنده می‌کنند. بنابراین، پندارگرایی افترا بستن به خدا و دروغ‌گویی را به دنبال دارد. به حکم آیات دیگر، این پندارگرایان عقل خود را به کار نمی‌گیرند (مائده: ۱۰۳) و به آیات الهی ایمان ندارند (نحل: ۱۰۵) و ظلم‌اند (آل عمران: ۹۴)؛ به‌ویژه آنکه این دروغ‌گویی از روی علم باشد (آل عمران: ۷۵ و ۷۸)؛ پس رستگار نخواهند شد (نحل: ۱۱۶؛ یونس: ۶۹) و دچار هلاکت و خسران می‌گردند: «وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَأَيْتُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (فصلت: ۲۳).

در کتب وجوه و نظایر، یکی از وجوه معنایی ظن، کذب گزارش شده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۴۵). اما به نظر می‌رسد معنا کردن ظن به کذب صحیح نیست و نباید ملازمت معنایی ظن با کذب در برخی آیات منجر به آن شود که ظن را از معنای ظاهری آن دور کنیم؛ بلکه باید گفت در چنین مواردی، لفظ ظن بر معنای اصلی خود باقی می‌ماند، در عین آنکه دلالت بر کذب هم دارد؛ زیرا اولاً معنای لغوی ظن، عدم اطمینان و احتمال است که متفاوت از کذب است؛ ثانیاً ظن در بسیاری از اوقات، به‌ویژه در امور معنوی و غیرمادی که مظنون غایب است و امکان دسترسی به آن وجود ندارد، توأم با نادرستی است و در نتیجه اتکا به ظن در چنین اموری، به احتمال بسیار زیاد توأم با کذب است.

۳-۴. تحلیل هم‌نشینی یخْرُصُونَ (تَخْرُصُونَ)

خَرْصٌ واژه اصیل عربی است و در اصل به معنای گمان بردن در چیزی است که یقین نداری. از همین رو در معنای تخمین زدن به کار رفته است؛ زیرا تخمین همان اندازه‌گیری از روی ظن، نه از روی احاطه است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۶۱). در حقیقت هر گفتاری که از روی ظن و تخمین باشد، خرص است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۹). در کتب لغت، یکی از معانی خَرْص، کذب گزارش شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۸۳) که وجه آن به باور ازهری، راهیابی ظنون دروغین در تخمین است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۶۱)؛ زیرا فرد از روی علم یا غلبه ظن سخن نگفته، بلکه به ظن و حدس اعتماد کرده و از این رو کاذب است، حتی اگر سخنش مطابق

واقع باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۹). در کتاب *فروق اللغة* نیز آمده است: چون حرص و تخمین بدون تحقیق جاری می‌شود، همانند کذب است و به جای آن استعمال می‌شود.

برخلاف مشهور، تفسیر حرص به کذب شایسته نیست (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۰). برخی لغویان دیگر نیز در تفسیر حرص به کذب تردید کرده‌اند (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۵۸۵).

ماده حرص پنج بار در قرآن کریم به کار رفته که سه بار آن با ساختار ثابت دارای همنشینی اشتدادی با ظن است: «وَإِنْ تَطَعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (انعام: ۱۱۶) و نیز در آیات انعام: ۱۴۸ و یونس: ۶۶ با توجه به این آیات روشن است که «إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» با «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» پیوند نزدیکی دارد؛ اما در هر سه آیه، ظن بر حرص مقدم است؛ پس در فقدان علم و وجود ظن است که تخمین معنا می‌یابد. در چهارمین آیه «وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (زخرف: ۲۰) نیز هر چند حرص با ظن هم‌نشین نشده، اما با عبارت «مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ» هم‌نشین شده است که از هم‌نشین‌های ظن (جائیه: ۲۴) است و نیز بیان اصلی‌ترین مؤلفه معنایی ظن است. به باور برخی پژوهشگران، از آنجاکه حرص در حالت فقدان علم متصور است، دلالت بر وهن و ضعف دارد و بر جهل و وهم مبتنی است که مخالف عقل و فکر صحیح است و از این رو خداوند متعال در آیه دهم سوره ذاریات می‌فرماید: «قَتِلَ الْاٰخْرَاصُوْنَ الَّذِيْنَ هُمْ فِيْ غَمْرَةٍ سَاهُوْنَ» (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۱). بنابراین اگر در امور معنوی و اخروی که جز به علم و یقین نباید اعتماد کرد، انسان به تخمین مبتنی بر وهم و جهل روی آورد، گمراه می‌شود و هلاک می‌گردد.

۳-۵. تحلیل همنشینی شک

شک در لغت ضد یقین است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۷۰؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۳۱۶). اصل معنایی این ماده لغوی دلالت بر تداخل دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۷۳). این ماده لغوی پانزده بار در قرآن کریم به کار رفته و تنها در آیه ۱۵۷ سوره نساء با ظن هم‌نشین شده است. وجود لفظ شک در این آیه، افزون بر کمک به تبیین معنای ظن، وجه تمایز این دو لفظ را هم روشن می‌سازد. در آیه «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا»، شک و ظن و علم و یقین از هم متمایز شده است. شک با ظن رابطه اشتدادی، و علم و یقین با آن رابطه تقابلی دارند و همه آنها مربوط به حوزه معنایی ادراک هستند. عبارت «لَفِي شَكٍّ مِنْهُ» به «مَا لَهُمْ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ» تفسیر شده است و روشن می‌سازد که ظن اعم از مفهوم شک است و شک از انواع ظن است؛ زیرا کسانی که در شک هستند، یعنی کسانی که علم ندارند و تابع ظن هستند. ظن در این عبارت و در عبارات متعدد آیات دیگر، در برابر علم قرار گرفته است. در نتیجه، هرگاه در مرتبه علم نباشیم، در مرتبه قبل از علم هستیم که ظن است و خود می‌تواند مراتب مختلفی داشته باشد که یکی از آن مراتب، شک است.

علم در لغت، نقیض جهل است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۲). اصل معنایی ماده لغوی علم، دلالت بر نشانه‌ای دارد که شیء را از غیر آن متمایز می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۰۹). پس علم صفتی است که موجب تمییز است؛ تمییزی که احتمال نقض ندارد (ازدی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۹۲۲)؛ اما ظن، حتی در مراتب عالی آن یعنی ظن اطمینانی، دارای احتمال نقض است. نکته جالب توجه آنکه این تقابل در کاربرد حسی این دو واژه نیز دیده می‌شود؛ زیرا در با و نیز چاه با آب فراوان را الْعَيْلَمُ گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۳؛ شیبانی، ۱۹۷۵م، ج ۲، ص ۳۰۵ و ۳۲۷). در برابر آن، «الظُّنُونُ» چاهی است که به وجود یا فقدان آب در آن اطمینان نباشد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۵۱؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۲).

رابطه معنایی تقابلی علم با ظن در آیات ظن، نقش تعیین کننده‌ای در تبیین معنای ظن در قرآن کریم دارد؛ به ویژه آنکه در آیه «مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ» (نساء: ۱۵۷، انعام: ۱۴۸، جاثیه: ۲۴، نجم: ۲۸)، به طور صریح علم و ظن در برابر هم قرار می‌گیرند و روشن می‌شود که ظن در جایی به کار می‌رود که علم وجود ندارد. سخن بدون علم، یکی از موانع جدی در مسیر رشد انسان است. اینکه انسان درباره چیزی که هیچ علمی بدان ندارد، بلکه در دسترس و احاطه او نیست، بی‌پروا گمانه‌زنی کند و هر چه به ذهنش رسیده، بدون فکر بر زبان آورد، گناهی بزرگ است: «إِذْ تَلَقَوْنَهُ بِآسْتِيكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» (نور: ۱۵).

۳-۷. تحلیل همشینی حق

معنای اولیه حق، ثبوتی است که با واقع مطابقت دارد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۶۲). از این رو آنچه مطابق واقعیت موجود باشد را حق گویند (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق). ماده حق در سه آیه رابطه همشینی آشکاری با ظن دارد (یونس: ۳۶؛ نجم: ۲۸؛ آل عمران: ۱۵۴). در آیه «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (یونس: ۳۶) می‌فرماید: بیشتر کافران و مشرکان جز از ظن و گمان پیروی نمی‌کنند؛ یعنی در شرک و انکار بعث و تکذیب رسول خدا پیرو پندار و گمان هستند؛ زیرا امکان احاطه بر این امور برای نفی آن از روی علم را ندارند. اما با ظن و گمان نمی‌توان به حق رسید؛ زیرا حق، جز به علم و یقین حاصل نمی‌شود. آیه «وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (نجم: ۲۸) نیز بر همین معنا تأکید دارد. بنابراین، ظن در رسیدن به مطلوب یا واقع امر در اموری از قبیل معاد که احاطه به مضمون ممکن نیست، اعتبار ندارد. در چنین اموری، علم از طریق وحی در اختیار قرار گرفته است.

در آیه ۱۵۴ سوره آل عمران، ظن جاهلانه، به غیرحق بودن توصیف شده است. این آیه درباره مسلمانان در جنگ احد است که با شکست گذرا در جنگ، اندیشه‌های شرک‌آمیز جاهلی درباره خداوند در ذهن گروهی از مسلمانان سست‌ایمان راه یافت: «يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ». اینجا بحث درباره حسن ظن و سوء

ظن به خداست و ظن جاهلی همان ظن غیر حق و ظن سوء به خداوند است که ناشی از نشناختن خداوند و صفات او و سنت‌های الهی است.

۳-۸ تحلیل همنشینی یقین

یقین در لغت، دور کردن شک و تحقیق امر است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۲۰). پس یقین ضد شک است و علم ضد جهل. از این رو یقین به معنای ثابت و واضح، صفت برای علم است. واژه یقین در دو آیه نساء: ۱۵۷ و جاثیه: ۳۲، با ظن رابطه معنایی تقابلی دارد. آیه ۳۲ سوره جاثیه، موضع‌گیری کافران درباره حقیقت تردیدناپذیر قیامت را چنین گزارش کرده است: «مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنظَنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ»؛ یعنی ما نمی‌دانیم قیامت چیست؛ فقط درباره آن گمانی داریم و در طلب باور کردن آن نیستیم. این سخن که نهایت انکار و استکبار این کافران را نشان می‌دهد، ظن را در برابر یقین قرار داده است. از این سخن برمی‌آید که خواص کفار، از روی علم به بطلان عقاید خود و علم به حقانیت حق با آن مخالفت می‌کنند: «وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغِيًّا بَيْنَهُمْ» (بقره: ۲۱۳).

۳-۹ تحلیل همنشینی سُلطان

سلطان به معنای حجت است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۱۷). آیه ۲۳ سوره نجم به مشرکان می‌گوید: این بتان که الهه خود گرفته‌اید، جز اسمای بی‌مسما نیستند که شما و پدرانتان نام نهاده‌اید: «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ». ورای این اسما هیچ حقیقتی نیست و شما بر این باور خود حتی از جانب خداوند متعال ندارید: «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ». فقط از ظن پیروی می‌کنید و تابع هوای نفس هستید. بنابراین مشرکان پیرو ظن هستند، چون دلیل و برهان بر دعوی خود ندارند.

از سوی دیگر، در ادامه می‌فرماید: «وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى»؛ این گمراهی در حالی است که خداوند هدایت را برای ایشان فرستاد. بنابراین پیروی از ظن را گمراهی دانسته است؛ زیرا در برابر آن هدایت را طرح کرده و هدایت در نظام معنایی قرآن در برابر ضلالت است (سبأ: ۲۴) و هدایت تنها از جانب خداست (بقره: ۱۲۰؛ انعام: ۷۱) و از طریق رسولان الهی در اختیار مردم قرار می‌گیرد (حج: ۶۷) و این رسولان بر صحت دعوی خویش بینات و بصائر ارائه می‌دهند؛ هرچند برخی چون فرعون، چنان غرق گمراهی‌اند که هدایت را انکار می‌کنند (اسراء: ۱۰۱ و ۱۰۲). در دو آیه اخیر، واژگان بینات و بصائر در تقابل با ظن قرار گرفته است. بینات عامل هدایت و تشخیص حق از باطل است.

۳-۱۰ تحلیل همنشینی نری

ماده «رأی» در آیات ۶۶ اعراف و ۲۲ هود با ظن رابطه معنایی-توزیعی دارد. ماده «رأی» در اصل دلالت بر دیدن و نظر کردن با چشم یا بصیرت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۷۲).

کافران قوم هود به او گفتند: «إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ»؛ یعنی تو را دستخوش سفاهت می‌بینیم؛ «وَأِنَّا لَنَنْظُرُكَ مِنَ الْكَادِبِينَ» و تو را دروغ‌پرداز می‌پنداریم (اعراف: ۶۶)، در آیه دیگر، اشراف قوم نوح سه توجیه بر کفر خود آوردند: اولاً تو بشری مانند ما هستی؛ ثانیاً فقط فرومایگان ما، آن هم بی‌تأمل از تو پیروی کرده‌اند؛ ثالثاً هیچ برتری در شما بر خودمان نمی‌بینیم؛ «بَلْ نَنْظُرُكُمْ كَادِبِينَ»؛ پس شما را دروغگو می‌پنداریم. به نظر می‌رسد ایشان برخی یافته‌های حسی خود را در قالب فعل «نری» گزارش کرده‌اند. ظاهراً این دیدن باید برای ایشان اطمینان به همراه می‌داشت؛ اما بر مبنای آن به این پندار رسیدند که پیامبر خدا را تکذیب کنند. بر این اساس، ایشان بر مبنای داده‌های حسی غالبی، استنتاج عقلی داشته‌اند و آن استنتاج مبنای این پندار ایشان بوده است؛ بنابراین خود نیز از شواهد نقض آن آگاهی دارند. از این رو همان‌طور که در کتب لغت نیز آمده، رأی و رؤیت نوعی خاص از دیدن است که به امور عقلانی تعلق می‌گیرد و نیازمند ابزار چشم نیست و از این رو *المفردات* رأی را عقیده ناشی از غلبه ظن و گمان دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۲۷).

نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل آرای لغوی، جزء معنایی اصیل ماده ظن، عدم اطمینان به معنای عرفی و لغوی آن است. با تحلیل مفعول‌های جمله‌ای ظن در سیاق آیات قرآن کریم، روشن می‌شود که ظن نوعی ادراک نفسانی و اندیشه غالب بر نفس انسان است که نفس را به خود مشغول می‌سازد. غلبه این اندیشه لزوماً به معنای قوت شواهد و قرائن آن نیست؛ بلکه در بسیاری از اوقات، این اندیشه غالب، مبتنی بر شواهد و دلایل نامعتبر و ضعیف مانند تقلید، استکبار و غضب است. گاه این اندیشه غالب بدون طرح اندیشه‌های دیگر، نفس را به خود مشغول می‌سازد - هرچند که امکان طرح اندیشه دیگر عقلاً وجود دارد و فرد متوجه آن نیست - و گاه به‌طور صریح در برابر اندیشه دیگری بروز و ظهور می‌یابد؛ اما به هر صورت، ادراکی است که رجحان یافته است. این مفهوم با تحلیل روابط معنایی ظن با واژگان هم‌نشین آن، به طور تفصیلی تأیید می‌شود.

مهم‌ترین هم‌نشین‌های پرتکرار یا دارای نقش تعیین‌کننده در معنای ظن، عبارت‌اند از: يتبعون (تتبعون)، کاذبین با رابطه نحوی - مکملی؛ يَخْرُصُونَ (تَخْرُصُونَ) و شک با رابطه اشتدادی، علم، حق، یقین، سلطان با رابطه تقابلی، و نری با رابطه توزیعی. تحلیل روابط معنایی این هم‌نشین‌ها در سیاق آیات ظن روشن می‌سازد ظن فی‌نفسه متعلق مدح و ذم واقع نمی‌شود؛ زیرا امری غیر ارادی است؛ اما نحوه مواجهه با آن کاملاً اختیاری است و از این رو نهی در آیه «اجتنبوا کثیرا من الظن» به اجتناب از ترتیب اثر دادن به ظن برمی‌گردد. اصل اولی در قرآن کریم آن است که ظن برای تبعیت کافی نیست (ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً)؛ اما در این موارد، خداوند در خصوص ظن در امور اخروی و معنوی -

که مظنون در دسترس نیست و توأم با نادرستی است - ناکافی بودن آن در برابر حق را مطرح کرده است؛ زیرا برای ظان، امکان احاطه بر مظنون وجود ندارد. در چنین اموری باید معارف از ناحیه خدا اخذ شود و در آن فقط باید به علم و یقین تکیه کرد. تخمین زدن، سبب ضلالت و گمراهی است. عدم نفی مطلق عمل به ظن در امور اخروی، مصداقی از لطف وافر خداوند متعال بر بنده است. از این رو، اگر انسان با تعقل در امور اخروی، از مرحله ظن اولیه عبور کند و به مرحله ظن اطمینانی برسد و بر مبنای آن در مسیر حق و هدایت قرار گیرد، هرچند که به علم و یقین دست نیافته باشد و احتمال صحت اندیشه‌های دیگر در ذهن او موجود باشد، خداوند متعال به لطف خود، از او می‌پذیرد: «إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةٍ» (حاقه: ۲۰)؛ اما زندگی انسان در دنیا بدون ظن و تخمین قابل دوام نیست و جزئیات زندگی دنیوی بر اساس اعتباریات قابل تخمین است و این امر سیره عقلاست و برای ظان، امکان احاطه بر مظنون در چنین اموری وجود دارد؛ پس به حکم قرآن، انسان در چنین اموری نیازمند مدیریت ظن است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. ظُنُّ (۱۰)؛ خَلُوا (۹)؛ حَنَّسْتُمْ (۶)؛ أَظُنُّ (۶)؛ يَظُنُّونَ (۵)؛ نَظُنُّ (۴)؛ تَظُنُّونَ (۲)؛ يَظُنُّ (۲)؛ حَنَّسْنَا (۲)؛ تَظُنُّ ظَنًّا؛ حَنَّسْتُمْ.

۲. الظَّنُّ (۷)؛ الظنُّ (۳)؛ ظُنُّ (۲)؛ ظَنًّا (۲)؛ ظَنُّكُمْ؛ ظَنُّهُ؛ الظنونا؛ الظانين.

۳. از حضرت علی^ع روایت شده است: «يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مَلَاقُوا رَبَّهُمْ يَعْنِي أَنَّهُمْ يَوْقِنُونَ أَنَّهُمْ...! وَالظَّنُّ هُنَا الْيَقِينُ» (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۹). در ظاهر به نظر می‌رسد، این روایت در تأیید تفسیر ظن به یقین در برخی آیات است. اما در این روایت بیان شده است که ظن ایشان، یقین است، نه آنکه واژه ظن از نظر لغوی در این آیه به یقین تفسیر شود. در تأیید این مطلب می‌توان وجه دیگر روایت فوق را یادآور شد؛ «عن علی^ع في قوله الذين يظنون أنهم ملاقوا ربهم: يوقنون أنهم مبعوثون والظن منهنم يقين» (عياشي، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۴: بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۹). روایتی دیگر از امیرالمؤمنین علی^ع: «وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُهَا»؛ يَعْنِي تَيَقَّنُوا أَنَّهُمْ دَخَلُوهَا وَكَذَلِكَ قَوْلُهُ «إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةٍ» وَأَمَّا قَوْلُهُ لِلْمُتَافِقِينَ «وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظَّنُونَا» فَهُوَ ظَنُّ شَكٍّ وَلَيْسَ ظَنُّ يَقِينٍ؛ وَالظَّنُّ ظَنَانٌ ظَنُّ شَكٍّ وَظَنُّ يَقِينٍ فَمَا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْعَادِ مِنَ الظَّنِّ فَهُوَ ظَنُّ يَقِينٍ، وَمَا كَانَ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَهُوَ عَلَى الشُّكِّ (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۲۸).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸، *جمهرة اللغة*، بیروت، دار العلم للملایین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، ۱۴۲۱ق، *المحکم والمحیط الأعظم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، لبنان، دار الفکر.
- ابوعبید، قاسم بن سلام، ۱۹۹۰ م، *الغریب المصنّف*، تونس، بیت الحکمه.
- ازدی، عبدالله بن محمد، ۱۳۸۷، *کتاب الماء*، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اسکندری، جعفر، ۱۳۹۳، *معناتسانی جهل در قرآن کریم با رویکرد ساختاری*، پایان نامه، دانشگاه امام صادق (ع).
- باقری، مهری، ۱۳۹۴، *مقدمات زبان‌شناسی*، تهران، قطره.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه البعثة.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، *الصّحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دار العلم للملایین.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور التقلین*، قم، اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم.
- زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.
- شاکر، محمد کاظم، ۱۳۸۶، «پژوهشی در معنای ظن و جایگاه معرفتی و اخلاقی آن در قرآن»، *مقالات و بررسی‌ها*، شماره ۸۴
- شیبانی، اسحاق بن مرار، ۱۹۷۵م، *کتاب الجیم*، قاهره، هیئته العامه لشئون المطابع الامیریة.
- صاحب، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتب.
- صدر، محمدباقر، ۱۴۰۵ق، *دروس فی علم الاصول*، بی‌جا، دار المنتظر.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، بی‌تا، *تفسیر القرآن الکریم*، قم، بی‌تا.
- صفوی، کوروش، ۱۳۹۰، *درآمدی بر معناتسانی*، تهران، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عبدالباقی، محمد فواد، ۱۳۸۶، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قم، همسفر.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، *التفسیر (تفسیر العیاشی)*، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة.
- فراء، یحیی بن زیاد، ۱۹۸۰م، *معانی القرآن (فراء)*، مصر، قاهره، هیئته المصریة العامه للکتاب.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵ق، *القاموس المحیط*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- _____، ۱۴۱۶ق، *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز*، مصر، قاهره، وزارة الاوقاف.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.